

مجموعه‌شناسی

اقتصاد سیاسی مهاجرت دانشجویان ایران

www.ketab.ir

سرشناسه: خاوری نژاد، سعید، ۱۳۶۲- / عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان ایران: بررسی جنبه‌های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سال‌های ۱۳۷۰-۹۰ / سعید خاوری نژاد؛ با مقدمه سعید میر ترابی / مشخصات نشر: تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳ / مشخصات ظاهری: ۲۸۷ ص.؛ جدول، نمودار / فروست: جامعه‌شناسی / شابک: ۶-۳۹-۷۱۰۶-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / یادداشت: کتابنامه: ۲۷-۲۷۹ / عنوان دیگر: بررسی جنبه‌های نظری و عملی مهاجرت نخبگان ایرانی در سال‌های ۱۳۷۰-۹۰ / موضوع: فرار مغزها--ایران / موضوع: فرار مغزها--ایران -- نمونه پژوهی / شناسه افزوده: میر ترابی، سعید، ۱۳۵۱- / مقدمه‌نویس: رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ خ ۹ الف / HD8038 / رده‌بندی دیویی: ۳۳۱/۱۲۷۹۱ / شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۵۲۰۱

www.ketab.ir

اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان ایران / ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد / مولف: سعید خاوری نژاد / با مقدمه سعید میر ترابی / طراح جلد و یونیفورم: حسن کریم زاده / صفحه آراء: مریم فتاحی / ناظر فنی: انوشه صادقی آزاد / نوبت چاپ: شمارگان: اول- ۱۳۹۳؛ ۱۱۰۰ نسخه / شابک: ۶-۳۹-۷۱۰۶-۶۰۰-۹۷۸ / لیتوگرافی: شادرنگ / چاپ و صحافی: شادرنگ / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشر دنیای اقتصاد است / نشانی انتشارات و فروشگاه: تهران، خیابان شهید مطهری، بین میرزای شیرازی و سنایی، شماره ۳۷۰ / تلفن: ۴۳-۸۷۷۶۲۷۴۰ / دورنگار: ۸۷۷۶۲۷۴۴ / پست الکترونیک: book@den.ir / پایگاه اینترنتی: book.den.ir

www.ketab.ir

از این کتاب می‌خوانید

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۳
سخن از نویسنده	۱۹
بخش اول: کلیات	۲۷
طرح مسأله	۲۹
فرضیه پژوهش	۳۶
بخش دوم: پیشینه مطالعاتی و مبانی نظری	۴۱
مقدمه	۴۳
فصل اول: پیشینه مطالعاتی	۴۷
پژوهش‌ها و مطالعات انجام گرفته داخلی	۴۷
پژوهش‌ها و مطالعات انجام گرفته خارجی	۵۴
فصل دوم: عرصه نظری اقتصاد سیاسی	۵۷
سیر تکامل اقتصاد سیاسی	۵۷
سیر تاریخی نظریه‌های اقتصاد سیاسی	۶۲
اجزای اقتصاد سیاسی	۷۰
عوامل مؤثر بر اقتصاد سیاسی	۷۳
فصل سوم: عرصه نظری مهاجرت نخبگان	۷۵
رویکردهای نظری مهاجرت نخبگان	۷۵
دیدگاه‌ها	۷۶
الگوها	۸۱
نظریه‌ها	۸۳
نظریه اقتصاد جدید مهاجرت	۸۵
نظریه محرومیت نسبی	۸۹
نظریه‌های چند بعدی	۹۲
فصل چهارم: نظریه منتخب و رویکرد پژوهش	۹۹

بخش سوم: سیر تاریخی مهاجرت نخبگان در جهان و ایران	۱۰۷
مقدمه	۱۰۹
نخبگان و مهاجرت	۱۱۰
موانع بررسی سیر تاریخی مهاجرت نخبگان در جهان و ایران	۱۱۳
سیر تاریخی مهاجرت نخبگان در جهان	۱۱۶
سیر تاریخی مهاجرت نخبگان در ایران	۱۲۲
برآورد هزینه‌های مهاجرت نخبگان	۱۴۱
نتیجه‌گیری	۱۴۴
بخش چهارم: عوامل مهاجرت نخبگان در ایران از منظر اقتصاد سیاسی	۱۴۷
مقدمه	۱۴۹
فصل اول: اقتصاد دولتی و ضعف آن	۱۵۱
تاریخ مهاجرت	۱۵۱
تاریخ در ایران	۱۵۳
جمعیت و نرخ رشد آن	۱۵۷
گرایش‌های اقتصادی	۱۶۰
ساختار اشتغال و اشتغال‌آفرینی	۱۶۲
نرخ بهره‌وری	۱۶۵
عرضه و تقاضای نیروی انسانی تحصیلکرده	۱۷۳
تعداد دانشجویان و دانشجوهای فارغ التحصیل	۱۷۴
حداقل دستمزد در کشورهای اسلامی ایران	۱۸۶
نسبت حداقل دستمزد اسمی به حداقل دستمزد واقعی	۱۸۶
نسبت رشد حداقل دستمزد به نرخ رشد تورم	۱۹۱
نسبت رشد حداقل دستمزد به نرخ رشد درآمد ملی	۱۹۶
نسبت حداقل دستمزد به هزینه‌های زندگی و رفاه	۱۹۷
حداقل دستمزد در کشورهای توسعه‌یافته	۱۹۸
سطح رفاه در ایران	۲۰۱
تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی	۲۰۴
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی	۲۱۰
پس‌انداز ناخالص داخلی	۲۱۱
هزینه‌های مصرفی خانوارها	۲۱۳
بهره‌وری نیروی کار	۲۱۴
فصل دوم: سرمایه‌گذاری‌های پژوهشی	۲۱۷
سرمایه‌گذاری در آموزش	۲۱۹
نسبت بودجه پژوهش کشور به تولید ناخالص داخلی	۲۲۰
شاخص تعداد پژوهشگران مشغول به کار در عرصه تحقیق و توسعه	۲۲۷
ترکیب دولتی و خصوصی اعتبارات پژوهشی	۲۳۳
سایر دلایل	۲۳۹
انعطاف‌ناپذیری نظام آموزشی	۲۳۹
ضعف مدیریت علمی	۲۴۰
ضعف ارتباطات و تبادل علمی	۲۴۲

فصل سوم: جاذبه‌های اقتصادی - اجتماعی در خارج	۲۴۷
بورسیه‌ها و کمک‌هزینه‌های تحصیلی	۲۴۸
نتیجه‌گیری	۲۶۷
نتیجه‌گیری	۲۷۱
منابع	۲۷۹

www.ketab.ir

تحصیل کردگان دانشگاهی و متخصصان برخوردار از میزان بالای دانش حرفه‌ای که به عبارتی نخبگان علمی نامیده می‌شوند، نقش بسزایی در توسعه کیفی حوزه‌های مختلف علمی کشور دارند. از ویژگی‌های این گروه، آشنایی با امور معیشتی و حرفه‌ای آن‌ها به‌منظور کاهش دغدغه‌ها و افزایش ارتقاء علم و دانش حرفه‌ای ایشان امری بدیهی است. از این رو می‌توان عنوان کرد میزان موفقیت سیاست‌های آموزشی و حمایتی کشورها ارتباط مستقیمی با میزان رضایت متخصصان از شرایط خود دارد.

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای دارای معیار جهانی که بخش قابل توجهی از آن شامل جوانان در حال تحصیل و همچنین دانشجویان تحصیلات عالی می‌باشد از جمله کشورهای در حال توسعه است که مشکلات خاص خود در زمینه رسیدگی به امور حرفه‌ای متخصصان روبروست. در این زمینه در گذشته و چه در زمان حال با خروج درصدی از این متخصصان به خارج به‌منظور ارتقاء شرایط تحصیلی و حرفه‌ای خود روبروست. این روند حرکتی تحصیلکردگان علمی که در اصطلاح، «مهاجرت نخبگان» یا به عبارتی بدیهی‌تر فرار مغزها نامیده می‌شود از معضل‌های جدی در امر آموزش و بهره‌برداری از دانش نیروهای علمی در کشور است.

با این توصیف، می‌توان توجه به امر مهاجرت نخبگان در ایران را که از موضوعات مورد توجه در علوم اجتماعی است به‌عنوان مبحثی مهم در حوزه

تحقیق معرفی کرده و با بررسی مهم‌ترین عوامل اقتصادی تعیین‌کننده آن به یافته‌هایی درباره متغیرهای مؤثر بر تشدید آن پرداخت. لذا در این پژوهش ضمن ارائه طرح کلی، به نظریات و سوابق تاریخی امر پرداخته و سپس جوانب اقتصادی این امر را تحت عنوان اقتصاد سیاسی مهاجرت نخبگان در ایران در بازه زمانی دهه‌های ۱۳۹۰ - ۱۳۷۰ مورد بررسی قرار خواهیم داد.

نظر به این‌که ارائه این اثر مستلزم استنادات مکرر به پژوهش‌های دیگر است، باید عنوان کرد که نقش نویسنده در جایی پررنگ می‌شود که در راستای اثبات فرضیه مورد نظر خود، به ارائه نوع خاصی از چیش و ترکیب یافته‌های دوران انتقال آن‌ها به مخاطب می‌پردازد. به عبارت دیگر این اثر بیشتر خاص یک نسل نخبه‌های هدفمند است.

سعید خاوری‌نژاد

تأیستان ۱۳۹۲

www.ketab.ir

تأثیر و اهمیت روز انسانی آموزش دیده در توسعه کشورها محل تردید نیست. سرمایه انسانی ابزار اصلی مهم توسعه است و توسعه نیز منوط به حفظ و بهبود کیفیت سرمایه انسانی است. امروزه نیروی ذهنی، مغزی، تفکر و مدیریت جامعه یک ثروت محسوب می‌شود و مهاجرت اندیشمندان و روشنفکران می‌تواند موازنه علمی یک سرزمین را به جهش جدی مواجه کند. از این رو گروهی از صاحب‌نظران از نیروی انسانی تحصیلکرده و ماهر به‌عنوان زیرساخت نرم توسعه یاد می‌کنند که در کنار زیرساخت سخت، توسعه یعنی تسهیلاتی همچون شبکه حمل‌ونقل، ارتباطات، انرژی و غیره از الزامات توسعه پایدار و به‌خود متکی جوامع به‌حساب می‌آید.

ایران از جمله کشورهایی است که به سبب افزایش جمعیت در دهه‌های گذشته، در شرایط کنونی به لحاظ ساختار جمعیتی، طیف بزرگسالی و جوان آماده تحصیل و کار را در خود جای داده است. پیش‌بینی‌های صورت گرفته درباره پویای جمعیتی در کشور حاکی از آن است که اکنون فرصت منحصربه‌فردی در زمینه بهره‌گیری از نیروی عظیم جمعیت جوان کشور در دسترس است چراکه بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را در مقطع کنونی افراد آماده کار و تحصیل و تولیدکننده تشکیل می‌دهند و این شرایط به‌واسطه کاهش رشد جمعیت در سال‌های گذشته، ظرف یکی دو دهه آینده دگرگون خواهد

شد و جمعیت به طور عمده جوان و بالنده کشور، به تدریج به سمت پیر شدن حرکت خواهد کرد. این شرایط اهمیت بیش از پیش بهره‌گیری از استعدادها و ظرفیت‌های نیروی انسانی جوان کشور را گوشزد می‌کند و تبعات مهاجرت نیروهای جوان متخصص را سنگین‌تر می‌نماید.

در عین حال به واسطه سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه آموزش و مراکز آموزش عالی، بخش مهمی از جمعیت جوان کشور امروز از تحصیلات عالی بهره‌مند هستند و یا به کسب مهارت و تخصص در حوزه‌های مختلف، سرگامند. با این حال حلقه مفقوده مهمی در این میان به چشم می‌خورد که ناشی از نبود یا ضعف برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری مناسب از این نیروهای پرورش یافته است. برآیند طبیعی چنین شرایطی، پدیده ناگواری است که در ادبیات مهاجرت آن با عنوان «مهاجرت نخبگان» یا «فرار مغزها» یاد می‌شود. البته برخلاف دو مفهوم مهاجرت نخبگان و فرار مغزها تفاوت قائل شده‌اند. از نظر آن‌ها، فرار مغزها نوعی از مهاجرت است که در آن، عنصر اجبار و تحمیل غلظت و شتاب بیشتر، دارد و مفهوم فرار، به معنای وزنه سنگین‌تر عوامل دفع‌کننده در مبدأ در برابر عوامل جذب‌کننده در مقصد است و این مفهوم ضمنی را در بر دارد که در صورت شدت نداشتن عوامل دفع‌کننده، به احتمال، مهاجرتی صورت نمی‌گرفت. بدین ترتیب مفهوم مهاجرت نخبگان را می‌توان مفهومی خنثی‌تر در نظر گرفت که ارزشیابی پس‌داوری درباره عوامل دافعه یا جاذبه مؤثر بر مهاجرت ندارد.

از سوی دیگر امروز این ایده مطرح است که مهاجران نخبگان، چنانچه به صورت چرخشی و در وضعیتی تعامل‌گونه، داد و ستد و تعادلی باشد، سرشار از فواید است و می‌تواند در انتقال دانش فنی، انتقال و مبادله دستاوردهای ارزشمند علمی و فرهنگی و تجارب گران‌سنگ ملت‌ها و جوامع بشری مفید واقع شود. اما مهاجرت یک‌سویه، بی‌بازگشت و فرارگونه نخبگان (که با اصطلاح «فرار مغزها» از آن تعبیر می‌شود)، در واقع، یک فاجعه و ضایعه ملی است که کشور مبدأ را از شمار زیادی از بهترین سرمایه‌های خود محروم

می‌کند و این مشکلی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه امروز با آن دست‌به‌گریبان هستند؛ یعنی بسیاری از نخبگانی که برای کار، ادامه تحصیل و کسب تجربه از این کشورها به کشورهای پیشرفته‌تر مهاجرت می‌کنند در عمل، ارتباط خود را با کشور مبدأ از دست می‌دهند و زمانی که از مهاجرت نخبگان به صورت یک معضل سخن به میان می‌آید، درست همین مسأله مد نظر است. آسفاته با وجود ظرفیت‌های بالقوه فراوان کشور، مهاجرت چشمگیر نخبگان علمی از ایران به صورت مسأله‌ای نگران‌کننده درآمده و روشن است که روند تهاجم به دانش و فناوری در کشورمان از آثار مخرب این پدیده ناگوار بی‌نصیب نمانده است. مهاجرت به معنای حرکت از مبدأ دفع‌کننده به مقصد جذب‌کننده است. بنابراین پدیده مهاجرت نخبگان هم در عوامل و زمینه‌های داخلی یک کشور و هم در عوامل و زمینه‌های بیرونی خارج از کشور، امروزه عموم کشورهای در حال توسعه با شدت و ضعف متفاوت با معضل فرار مغزهای خود روبرو می‌شوند. آمارهای رسمی و غیررسمی ارائه‌شده در خصوص وسعت و دامنه پدیده فرار مغزها در ایران گویای این واقعیت است که امروزه جریان خروج نیروی انسانی متخصص و برخوردار از سرمایه انسانی بالا و بسیار کارآمدی همچون اساتید دانشگاه‌ها، پزشکان، پژوهشگران، مهندسان و غیره، به صورت یک معضل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در کشور درآمده و بیم‌ها و نگرانی‌های زیادی را در کشور برانگیخته است. البته پدیده فرار مغزها معضلی چند ده ساله به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است اما امروز بیم آن می‌رود که به واسطه گسترش روندهای جهانی شدن و بهبود وسایل ارتباط جمعی و سهولت سفر، به شکل نگران‌کننده‌تری در کشورهای آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی ظهور کند. در واقع روندهای جهانی شدن در دهه‌های اخیر، امروز، به شکلی آشکار تفاوت‌های شرایط کار، زندگی و امکانات شغلی در یک کشور پیشرفته را با یک کشور در حال توسعه به نمایش می‌گذارند و با این کار، نیروهای دافعه و جاذبه مؤثر بر مهاجرت این افراد را تشدید می‌کنند. پس از جنگ دوم جهانی و زمانی که کشورها برای بازسازی خرابی‌های

ناشی از جنگ با کمبود نیروی انسانی متخصص مواجه شدند بحث فرار مغر‌ها به یک مسأله تبدیل شد. در ابتدا بدون هیچ گونه برنامه‌ریزی مشخص، نخبگان جهان در حال توسعه و کشورهای اروپایی، آمریکا را به عنوان مقصد خود برمی‌گزیدند ولی بعدها کشورهای پیشرفته، مؤسساتی را برای جذب نخبگان کشورهای دیگر تأسیس کردند و گاهی حتی از سرویس‌های اطلاعاتی نیز در این راه استفاده کردند. در ضمن امروز کشورهای پیشرفته، قوانین مهاجرتی خود را برای تسهیل جذب نخبگان کشورهای دیگر مورد بازنگری قرار داده‌اند.

پدیده مهاجرت متخصصین و نخبگان به دیگر کشورها از زوایای مختلف مورد توجه بوده است. به‌طور کلی پدیده‌های اجتماعی همچون مهاجرت نخبگان از جنبه‌های مختلفی از جمله اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در رفتارها و تصمیمات افراد تأثیر می‌پذیرند. برخی علل ممکن است در رفتارها و تصمیمات افراد تأثیر داشته باشد و برخی دیگر در نظام حقوقی، قضایی و نظام آموزشی کشور. از سوی دیگر، عواملی همچون بی‌توجهی به رشد و توسعه بخش خصوصی فعال و بالنده می‌تواند به این پدیده دامن بزند. همچنین پیرامون‌های مختلف نشان داده است که ارتباط نیرومندی بین مهاجرت افراد تحصیل‌کرده و سطح توسعه و درآمد سرانه یک کشور وجود دارد. در واقع شکاف بین سطح زندگی و درآمد سرانه کشورهای ثروتمند و کمتر توسعه‌یافته، یکی از عوامل مهاجرت افراد تحصیل‌کرده کشورهای کمتر توسعه‌یافته است. افزون بر درآمد سرانه و تفاوت‌های درآمد انتظاری بین کشورهای مبدأ و مقصد، سایر عوامل اقتصادی مانند نرخ بیکاری در کشور مبدأ و تفاوت نرخ بیکاری کشور مقصد نیز در مهاجرت متخصصین مؤثر است. در اکثر کشورها برای جذب نخبگان در حال توسعه همچون ایران، تقاضا برای آموزش عالی بسیار بالاست. علل آن را می‌توان در سهم آموزش عالی در ارتقاء منزلت اجتماعی افراد چشم‌انداز دستیابی به زندگی بهتر و رفاه و تحصیل به‌طور نسبی کم‌هزینه در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی جستجو کرد. با این همه، نظام اقتصادی به‌طور کلی قابلیت جذب خیل عظیم دانش‌آموختگان دانشگاهی را در این کشورها ندارد و در نتیجه، نیروی مازاد تحصیل‌کرده گرایش جدی به خروج از کشور پیدا می‌کند.

علاوه بر متغیرهای اقتصادی، عوامل غیرپولی و غیرمادی نیز در مهاجرت افراد تحصیل کرده تأثیر بسزایی دارد. اگرچه این عوامل می تواند از فردی به فردی دیگر متفاوت باشد ولی به هر حال می توان به طور کلی آن ها را به صورت موارد زیر طبقه بندی کرد: انعطاف ناپذیر بودن ساختارهای نظام آموزشی و پژوهشی به دلیل نبود نظام انگیزشی مؤثر، پائین بودن فرصت پیشرفت علمی و بدلیل وجود دیوانسالاری سستی و دست و پاگیر، ضعیف بودن امکان ارتباط متخصصین داخلی با متخصصین خارج از کشور در جهت پیشرفت های علمی، پیچیدگی و ناپایداری نظام گزینش و استخدام، کمبود امکانات پژوهشی و عدم ارتباط پژوهش ها با نیازهای ملموس جامعه، نبود یا ضعیف بودن نظام شایسته سالاری و استخدام و سرانجام تأثیر عوامل غیرحرفه ای در ارتقاء و پیشرفت نیروهای تحصیلکرده. البته میان عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی مؤثر در مهاجرت نخبگان نیز برابری در نظر گرفت.

اثر حاضر که در قالب یک کتاب منتشر می شود با عنایت به واقعیت مطرح شده در بالا تلاش کرده است تا اثرگذار در حوزه اقتصاد سیاسی را بر مهاجرت نخبگان در کشور به ویژه در دهه ۱۳۸۰ بررسی کند. تمرکز حوزه بحث کتاب بر عوامل اقتصاد سیاسی و تأثیر آن بر بهره گیری از یک رویکرد نظری مناسب در تحلیل موضوع، از بررسی های این کتاب است. در ضمن کتاب، عمده آثار مهم منتشر شده در زبان فارسی و بخش قابل توجهی از ادبیات مرتبط با مهاجرت نخبگان در زبان انگلیسی را مرور کرده. از این حیث، مجموعه ای غنی را گردآوری کرده است. بحث درباره مهاجرت نخبگان، متأسفانه گاه دچار برخورد های سیاسی و افراط و تفریط های در کشور شده است که می تواند به صورت مانعی در برابر شناخت درست و معضل و جستجوی راهکارهای مناسب برای حل آن عمل کند. از این حیث، اثر حاضر ویژگی ممتازی دارد چرا که نویسنده، تحلیل پدیده مهاجرت مغزها را از منظری آسیب شناسانه، وجهه همت خود قرار داده است و تلاش کرده به شکلی موشکافانه داده های مرتبط را دسته بندی و تجزیه و تحلیل کند و وزن

و سهم عوامل مختلف مورد بحث را در بروز مهاجرت نخبگان مورد سنجش قرار دهد. با عنایت به این موضوع، مطالعه کتاب برای دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل توسعه کشور به‌طور قطع مفید خواهد بود.

دکتر سعید میرترابی؛ دانشیار علوم سیاسی

شهریور ماه ۱۳۹۲